

کتابچه قرارداد افواج قزوین در هذاه السنه ثمانین و نول خیریت دلیل مطابق

سنه ۱۲۸۶ هجری .

« حکم گرفتن سرباز از محل، بر حسب اراده‌ علیّه همایونی. حکم کلیه این است که افواج ممالک محروسه از روی بنیچه تعیین و تربیت شود محض اینکه در اغلب جاها تقسیم سرباز بدون بنیچه اسباب ستم شریکی شده بود اولیای دولت قاهره بملاحظه ترفیه و آسایش رعیت قرار نو کر را بر بنیچه داده اند حکم

و دستور العمل این فقره بعده صادر خواهد شد و از همان قرار هم جا بی تخلف رفتار نمایند .

شرایطی که مجلاً اشاره میشود و رفع پاره‌معایب است که از برای رعیت و اشخاص سرباز بده حق شکوه باقی نماند و اظهار تعدی و تظلم نمایند و حدود این عمل بقواعد نظامی معین باشد .

شخص سرباز را هر محلی از نفوس خودش باید بدهد که بتدریج سرباز داء طلب موقوف خواهد بود سوای رودبار و الموت که رعیت و سکنه آنجا بکار سربازی نمی‌آیند .

**حدود** - جوانی و علاقه و قواره سرباز محض آسایش مردم سه قسم بر حسب تفاوت اندازه برای قد سرباز معین شده فرستاده شد که پست‌تر از این درجات در نظام کلیه دول معمول و مقبول نیست . بلکه درجه سوم این اندازه کمتر مقبول است محض اینکه برای رعیت توسعه در باب اندازه سرباز باشد این سه درجه رعایت شده است .

نمره ۱ يك ذرع و سه چارك - نمره ۲ يك ذرع و نیم و يك بهر - نمره ۳ يك ذرع و ده گره از این قرار شخص سرباز بده خواهد تکلیف خود را دانست<sup>۱</sup> اگر فوق این حدود پیدا کرده باشد مورد تحسین است و اگر پست‌تر از اینها بخواهند آدم کوتاه بدهند قبول نمی‌شود. نه این است هر کس درجه سوم اندازه را حد سرباز خود دانسته قرار بدهد بلکه ترتیب او اینست :

اگر يك محل مثلاً سه نفر سرباز بدهی دارد هر سه اندازه را باید رعایت و ملاحظه کند .

اگر دو نفر است . درجه اول را باید بدهد .

اگر يك نفر است . درجه دوم کافیهست .

صاحب محل هر شرطی را خود باید ملاحظه کند. اول جوانی وقد، ثانی  
علاقه و اعتبار بقدر متعارف. ثالث از اهل محل خود نه داوطلب خارج. اگر  
در حالت امکان خواست بساختگی با صاحب منصب جزو، یا برشوت واقسام  
دیگر، بشروط مقرر رفتار نکنند ضرر فاحش برای خود فراهم کرده است چرا  
که بحکم دیوان سرتیپ و رئیس فوج سرباز او را اخراج خواهد کرد و سرباز  
خوب مطالبه می کند حق تشکی و تظلم برای او باقی نمی ماند و پذیرفته  
نخواهد شد. حتی المقدور سردسته و صاحب منصب دخیل در گرفتن سرباز  
محل نباید بشود و موافق وقت و موعدی که برای مطالبه کردن عوض غایب  
و متوفی و فراری دستور العمل داده شده، بصاحب هر محلی قبل از موعد احضار  
بفاصله دو ماه اعلام می کند و در سر موعد بمطالبه بر می آید - اگر بعد از اعلام  
تا سر موعد صاحب محل اهمال کرده و سرباز خود را حاضر نسازد درین وقت  
حق صاحب منصب و مأمور دیوان است که با کمال تشدد و سختی سرباز را بگیرد.  
آنچه صاحب محل خود سرباز خود را پادار کرده میدهد صاحب منصب  
ضمانت نامه از او بگیرد. آنچه بحکم ضرورت صاحب منصب خود سرباز فلان  
محل را معین کرده باشد و از شرایط آن اطمینان دارد حق صاحب محل است  
که از آن صاحب منصب ضمانت نامه بگیرد لاکن صاحب منصب مطلقاً دخیل سرباز  
محل نشود، خود مالک محل سرباز را بدهد و ضمانت هم خودش بکند. اگر الجاء  
صاحب منصب را مالک دخیل می کند مأمور فوج از هر دو ضمانت نامه بگیرد.  
حق خدمت و ساخلوی فوج در هر نقطه که هست یکسال تمام است و دو  
فوج قزوین که عجالتاً بقراولی دار الخلافه مأمور و مشخص است هر کدام سالی  
بسر خدمت خود می آیند آن دیگری مرخص است.

موعد مأموریت و حکم متوفی و کسر فوج - فوجیکه مرخص خانه است  
از روز مرخصی که در دیوان سان میدهد. آنچه متوفی و غیره کسر داشته باشد  
تا دو ماه بموعد احضار مانده فرجه و فرصت صاحبان محل و رعایت مالک و رعیت  
است ده ماه کسی متعرض آنها نمی شود و در دو ماه آخر اعلام میشود که سرباز

خود راتا يك ماه حاضر نمايند. اگر دريك ماه اول حاضر نشد مأمور و صاحب منصب فوج دريك ماه ثانی دیگر حق مطالبه و تشدد دارد.

فوجی که مأمور خدمتست و باعذر تمام سان میدهد تا ششماه آنچه متوفی و کسر بهمرساند در آخر ششماه صورت آن بمأمور ولایتی فوج فرستاده میشود یا با محصلی مخصوص روانه خواهد شد تا آخر ششماه ثانی بلکه یکماه قبل عوض متوفی و کسر ششماه اول را بسر خدمت حاضر نماید که هنگام سان مرخصی کسر ششماه اول داخل فوج شده و سان داده باشد.

آنچه از اول ششماه ثانی تا آخر این غایب و متوفی و فراری رو میدهد چون مرخص خانه هستند و فوج دیگر سر خدمت می آیند عوض متوفی و فراری این ششماه ثانی مطالبه نمی شود تا باز دو ماه بموعده احضار مانده.

رساندن مواجب و جیره سرباز، حق دیوان و مراقبت، حق رئیس فوج است لیکن استمراری محلی بفرخور هر محل موافق معمول ولایت حق صاحب محل است که کوتاهی نکرده کمابینبغی مرعی دارد که مایه آسایش او بوده دل گرم سر خدمت بماند فرار نکند. اگر درینباب صاحب محل بدفع الوقت بگذراند و سرباز تشکی کند حق صاحب منصب و مأمور نظامی است که حکماً استمراری را بگیرد و برساند قبض و اقباضی هم که سرباز از بابت مستمری محلی با صاحب محل میکند باید باطلاع و مهر ملای محل سردسته یا و کیلو سر جوقه معتبرین دسته باشد که طرفین حالت نکول و گفتگو بهم نرسانند. آنچه قرار شده است نه سرباز بتواند زیاده مطالبه کند نه صاحب محل بخواید کمتر بدهد و اختلافی هم در حساب آنهاروی ندهد و باقبض صاحب منصب معامله نماید. خاصه وقت روانه شدن فوج باید از مستمری سرباز چیزی باقی نماند. مأموری که برای عمل فوج در ولایت خواهد بود یا محصلی که مأمور میشود یا صاحب منصب متوقف ولایت هر يك از فقرات نظامی را باید باطلاع حکومتی انجام داده درهرامری از جزئی هر گاه بدون استحضار حکومتی رفتار نماید مورد مؤاخذه خواهد بود.

کتابچه قواعد سرباز قزوین است، محض اینک که اهالی ولایت این تشکی  
را نمایند که در باب سرباز از صاحب منصب و غیره تعدی میشود حدودی بر اینکار  
معین شده است که رئیس فوج و صاحب منصب جزو و صاحبان محل تکلیف  
خود را دانسته بجای آورند در وقت و موعده حق تکلیف خود را بدانند. اگر از  
این حدود صاحب منصب تخلف کند رعیت حق تشکی دارد. هر گاه صاحب  
محل تجاوز نماید تظلم او پذیرفته نخواهد شد و مأمور نظامی بتکلیف خود  
رفتار نماید مضمون این کتابچه را بملاك و صاحبان محل ابلاغ نمایند.»

شهر جمادی الاول سنه ۱۲۸۶